

انتخابات شهرداری نیویورک و بازی بزرگ مهاجرت در غرب

به قلم، لهراسب زینالی شاهسون

انتخابات اخیر شهرداری نیویورک، بار دیگر میدان سنجش سیاست‌ورزی میان نیروهای چپ‌گرای دمکرات و جریان‌های میانه و راست‌گرای آمریکایی شد. در نگاه نخست، شاید این انتخابات موضوعی محلی و شهری به نظر برسد، اما در لایه‌های عمیق‌تر، بازتابی از تحولات اجتماعی و جمعیتی است که آینده‌ی غرب را در دو دهه‌ی آینده رقم خواهد زد.

دمکرات‌های متمایل به چپ در آمریکا و اروپا گمان می‌کنند با سیاست‌های موسوم به «درهای باز» و جذب مهاجرین مسلمان و چپ‌گرا، در حال گسترش پایگاه رأی خود و تضمین ماندگاری قدرت سیاسی خویش‌اند. اما در واقع، آنچه در حال وقوع است نه یک تاکتیک هوشمندانه، بلکه نوعی فریب سیاسی خودخواسته است. آنان تصور می‌کنند این گروه‌های مهاجر را به خدمت گرفته‌اند، حال آنکه در عمل، خودشان به خدمت یک موج جمعیتی و فرهنگی نوظهور درآمده‌اند که دیر یا زود قواعد بازی قدرت را در غرب دگرگون خواهد کرد.

مهاجرین نسل اول و دوم، به‌ویژه از خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا، اکنون نه تنها در ساختارهای اجتماعی بلکه در لایه‌های بالای تصمیم‌سازی، رسانه، و اقتصاد غرب نیز نفوذ یافته‌اند. این نفوذ دیگر صرفاً فرهنگی نیست، بلکه جهت‌گیری سیاسی و اقتصادی دارد. گام نخست با نفوذ نرم و تدریجی در ساختارهای حزبی و اداری برداشته شده، و گام دوم، که در حال آماده شدن است، تبدیل این حضور به مطالبه‌ی رسمی قدرت و ثروت خواهد بود؛ نخست یک‌چهارم، سپس سهمی بیشتر.

این روند دو مسیر محتمل را پیش روی غرب می‌گذارد

1. عبور نرم و تدریجی:

در این مسیر، مهاجرین از راه مشارکت دموکراتیک و افزایش جمعیت رأی‌دهندگان، به آرامی به جایگاهی می‌رسند که حذف یا نادیده‌گرفتن آنان ممکن نباشد. نسل‌های بعدی این مهاجرین که دیگر نه «بیگانه» بلکه «شهروند» به شمار می‌آیند، در پارلمان‌ها، شوراها و نهادهای کلیدی جای می‌گیرند. در این حالت، غرب ناگزیر از بازتعریف هویت فرهنگی و سیاسی خود خواهد شد؛ فرآیندی که شاید دردناک اما اجتناب‌ناپذیر باشد.

2. واکنش سخت و خونین:

در مقابل، سناریوی دیگر رشد شدید احزاب راست‌گرا و ملی‌گرا در اروپا و آمریکا است. وقتی بخش‌های سنتی جوامع غربی احساس کنند در حال از دست دادن کنترل فرهنگی و اقتصادی خود هستند، احتمال روی آوردن به خشونت سازمان‌یافته وجود دارد. چنین وضعیتی می‌تواند به شکل‌گیری بحران‌های نژادی و حتی کشتارهایی شبیه به هولوکاست علیه اقلیت‌های مهاجر بینجامد؛ البته این‌بار نه علیه یهودیان، بلکه علیه مسلمانان و مهاجرین خاورمیانه‌ای.

غرب اکنون در نقطه‌ای ایستاده است که هر دو مسیر، مخاطراتی بزرگ در خود دارد. از یک سو، تغییر جمعیتی و فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است؛

از سوی دیگر، بازگشت واکنشی و خشونت‌بار راست افراطی نیز سایه‌ی سنگینی بر آینده افکنده است.

در نهایت، انتخابات شهرداری نیویورک و شهرهای مشابه تنها صحنه‌های کوچک از نبردی تمدنی و جمعیتی هستند که آینده‌ی نظم لیبرال غربی را تعیین خواهند کرد. دمکرات‌ها و چپ‌گرایان اگر هنوز گمان می‌کنند در حال «مدیریت مهاجرت» هستند، در اشتباه‌اند؛

زیرا مهاجرت دیگر پروژه‌ای نیست که کسی آن را هدایت کند، بلکه سیلی است که همه را با خود خواهد برد.

به قلم، لهراسب زینالی شاهسون

نوامبر ۲۰۲۵ ۶